

کاشانی؛

بنیانگذار حکومت اسلامی

به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد کودتای ننگین 28 مرداد 1332

بخش پنجم

18 شهریور 1387 برابر با 8 سپتامبر 2008

محمد حسینی

---

گزارش دولت در جلسه 25 شهریور مجلس شورای ملی قرائت شد. دو تن از نمایندگان در تأیید سیاست نفتی دولت سخنانی گفتند. سپس به تقاضای دولت که خواستار رأی اعتماد مجلس شده بود، از 61 تن نمایندگان حاضر در جلسه، 60 تن به دولت رأی اعتماد دادند. مجلس سنا نیز به اتفاق آرا سیاست نفتی دولت را تأیید کرد.

روز 2 مهر 1331، پیشنهاد متقابل ایران پس از یک هفته شور و بررسی در هیأت مختلط و هیأت دولت، تسلیم نمایندگان دولت های انگلیس و امریکا گردید. مفاد پیشنهاد مزبور، با مختصر تغییراتی، همان بود که در گزارش نخست وزیر به مجلس توضیح داده شد؛ بدین نحو که چنانچه دولت انگلیس شرایط چهارگانه را بپذیرد، دولت ایران نیز حاضر به قبول قضاوت دیوان دادگستری بین المللی خواهد شد.

روز 13 مهر سفیر ایالات متحده امریکا و کاردار سفارت بریتانیا در تهران، پاسخ دولت های خود را در نامه های جداگانه ای به دکتر مصدق تسلیم کردند. نامه دولت انگلستان ناسخ ویا رد پیشنهاد ایران نبود، بلکه تذکر می داد که دولت ایران در درک مضمون پیام مشترک دچار سوء تفاهم شده است. خلاصه پیام مزبور بدین شرح بود:

« . . . پیشنهادات ارسالی حاکی عدم شناسائی عمل دولت ایران و ملی کردن صنایع خود نبوده و منظور آن احیای امتیاز سال 1933 نمی باشد. [...] پیشنهاد مزبور برای تصفیه دعاوی و دعاوی متقابل طرفین به وسیله قضاوت بیطرفانه، حاوی یک طریق عادلانه بوده است. [...] اگر در خصوص قیمت نفت ذکری نکردیم، به علت آن بود که این موضوعی است که باید بین فروشنده و خریدار مورد بحث قرار گیرد. . . »

پیام دولت امریکا نیز، شبیه پاسخ دولت انگلستان بود. در این پیام ضمن تأیید واقعیت ملی شدن صنعت نفت و استقلال کامل ایران برای اداره نفت خود و نیز

آزادی فروش آن بر مبنای غیر انحصاری، به مسأله دعاوی طرفین و ادعای غرامت از طرف شرکت به طور عادلانه و بیطرفانه، اشاره شده بود.

روز 14 مهر شاه ضمن سخنرانی به مناسبت افتتاح مجلس سنا، بعد از تعطیلی تابستان، از سیاست دولت مصدق در مورد نفت اظهار رضایت کرد و گفت: « تلاش خستگی ناپذیر و پافشاری جناب نخست وزیر، با پشتیبانی ما و مجلس، در ملی کردن صنعت نفت و حفظ حقوق ملت، طبق قانون مصوبه مورد تقدیر است.»

در تاریخ 15 مهر، مصدق یادداشتی خطاب به وزیرای خارجه انگلستان و امریکا، به نمایندگان دولت های مزبور تسلیم کرد. در این یادداشت اظهار تأسف شده بود که دولت بریتانیا اشاره ای به پیشنهاد متقابل او ننموده است: « اکنون نیز دولت ایران ضمن اعلام آمادگی خود برای مذاکره، از شرکت سابق نفت دعوت می کند که ظرف یک هفته نمایندگان خود را به تهران اعزام دارد تا در حدود پیشنهاد متقابل، مذاکرات صورت گیرد.» در پایان یادداشت گفته شده بود:

« . . . با در نظر گرفتن تأخیر پرداخت چندین ساله دیون شرکت سابق به دولت ایران و همچنین از نظر احتیاجی که دولت به کارگشائی فوری دارد، شرکت سابق نفت قبل از اعزام نمایندگان خود، مبلغ بیست میلیون لیره قابل تبدیل به دلار، از چهل و نه میلیون لیره ای که به حساب ایران کنار گذاشته است، بپردازد و پرداخت بقیه، موکول به ختم مذاکرات شود که مدت آن حد اکثر سه هفته خواهد بود.»

نخست وزیر ایران، در نامه ای خطاب به وزیر خارجه امریکا، با قدر دانی از مساعی آن دولت برای حل اختلافات و نیز ذکر مشکلات ناشی از اقدامات شرکت نفت و دولت انگلیس برای ایران، تقاضا کرده بود که دولت امریکا به دولت بریتانیا توصیه کند که به درخواست دولت ایران نمایندگی از طرف شرکت نفت برای مذاکره به تهران اعزام نماید.

در تاریخ 22 مهر، وزیر خارجه انگلیس نامه ای برای دکتر مصدق فرستاد که مضمون پیشنهاد متقابل ایران را رد می کرد و اصول نظریه دولت انگلستان را نسبت به حل مسأله نفت ایران، بدین شرح خاطر نشان می ساخت:

(1) قبول واقعیت ملی شدن صنعت نفت از سوی دولت انگلیس و شرکت نفت؛ (2) نداشتن هیچ گونه نظری دایر بر احیای قرارداد امتیاز؛ (3) خودداری از اصرار درباره حق انحصاری خرید نفت ایران؛ (4) احاله موضوع غرامت به قضاوت

بی طرفانه دیوان دادگستری بین المللی؛ (5) آمادگی شرکت نفت برای تجدید مذاکره به محض حصول توافق درباره شرایط و اگذاری موضوع غرامت به قضاوت دیوان بین المللی؛ (6) حفظ حقوق شرکت نفت تا حصول توافق مزبور.

دولت ایران پیشنهاد وزیر خارجه بریتانیا را نپذیرفت. به بیان دیگر پیشنهاد مشترک چرچیل - ترومن از طرف ایران مورد قبول قرار نگرفت، زیرا مفاد این پیشنهاد غیرعملی تر از راه حل های سابق بود و حتی جنبه «اولتیماتوم» داشت. همچنین حکایت از آن داشت که انگلیسها، آمریکای ظاهرا «میانجی» را با خود همراه کرده اند.

در همین اوان اظهار نظرهایی مبنی بر دفاع از خواسته های ایران و انتقاد تلویحی از روش انگلستان در جراید لندن انتشار یافت که پر سرو صداترین آن ها نوشته ریچارد استوکس، مهربدار سلطنتی و از شخصیت های سیاسی انگلیس بود. وی در جریان وساطت هریمن، در رأس هیأت نمایندگی دولت انگلیس و شرکت سابق نفت به تهران آمد، ولی به طوری که گفته شد، مذاکرات او با دولت ایران به نتیجه نرسید. استوکس در مقاله ای که در تاریخ 6 سپتامبر 1952 (15 شهریور 1331) در روزنامه معروف تایمز لندن منتشر شد، از حقانیت ایران در مورد مسأله نفت دفاع کرد. قسمت هائی از مقاله مزبور بدین شرح است:

«چون مسأله نفت ایران دوباره جزو اخبار روز شده است، اجازه می خواهم نسبت به بعضی نکات مهم جلب توجه کنم:

«... در حالیکه دلایل طرف انگلیسی اختلاف نفت که متکی بر پایه و اساس ساده تعهدات قراردادی طبق اصول کشورهای غرب می باشد، خوب معلوم و واضح است؛ دلایل طرف ایرانی هیچ گاه چنانکه باید در انگلستان بیان نشده است.

مثلا آیا کسی می داند که کشورهایایی که در خلیج فارس به تازگی وارد صحنه تولید نفت شده اند، مثلا عراق و کویت، در ازای نفتشان درآمدی به مراتب بیش از ایران به دست می آورند؟ به طوری که اعلام شده است، در سال گذشته، کویت بر اساس تنصیف عواید، سی میلیون لیره عایدی داشته است و حال آنکه محاسبات آخرین سال عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران نشان می دهد که خزانه داری انگلستان به عنوان مالیات مبلغ پنجاه میلیون لیره از شرکت نفت دریافت نموده، در صورتی که سهم ایران طبق قرارداد امتیاز بالغ بر 16 میلیون لیره گردید.

... آیا کسی می داند که نفت خلیج فارس چون روی یک بستر سنگ آهک قرار

دارد با فشار طبیعی بالا می آید، ارزان ترین نفتی است که در دنیا می توان استخراج کرد؟

ایرانیان طبق اصول دموکراسی، حق داشتند نفت خود را ملی کنند و ضمن این اقدام، اصل پرداخت غرامت کافی و منصفانه را هم تصدیق نمودند. جبران خسارت وارده فقط به وسیله فروش نفت عملی خواهد بود، زیرا هر قدر هم که ارزش تأسیسات آبادان زیاد باشد، ضرر و زیان ناشی از نقض قراردادهای فروش، چندین برابر هزینه تجدید تأسیسات، بیشتر خواهد بود.

مذاکراتی که من سال گذشته انجام دادم، از طرف ایرانیان قطع نگردید، بلکه تعلیق آن از جانب من بود، زیرا در مورد استخدام کارشناسان نتوانستم موافقت دولت ایران را با ترتیبی که عملی باشد، جلب کنم. بعداً مذاکرات از طرف ما قطع شد، نه از طرف ایرانیان. بنابراین هر شرایطی که اکنون به ایران پیشنهاد شود باید لا اقل به خوبی نکات هشت گانه ای باشد که در پیشنهاد سال گذشته من مطرح شده بود.

« در ایران نسبت به فرد فرد انگلیسی ها حسن ظن بسار زیادی وجود دارد. ایرانیان به شیوه زندگی و صفات درستی و وقار انگلیسی ها احترام می گذارند و مرّوت نسبت به دوستانشان از خصلت های آنهاست. روابط فردی آن ها هم در امور بازرگانی معقول و منصفانه است. کاری که ما باید بکنیم این است که اختلاف را از محیط سیاسی خارج کنیم. اکنون به عقیده من هیچ پیشنهادی که از منابع رسمی، خواه آمریکایی، خواه انگلیسی ناشی شود، با نظر مساعد تلقی نخواهد شد. همچنین به عقیده من، خود شرکت نفت نیز دیگر کمترین امیدی به آنکه بتواند تعصبی را که علیه آن [شرکت] ایجاد شده، رفع کند، ندارد.

در این وضع بهترین تدبیر این است که وظیفه مذاکرات مقدماتی و کوشش در اصلاح امر، به موسسات مستقل بازرگانی یا صنعتی انگلستان واگذار شود تا بتوانند به طریق غیر رسمی و فارغ از نظریات شخصی، با اشکالات موضوع مواجه شوند. ممکن است طرز فکر دولتی این روش را نپسندد، اما امیدبخش ترین راه حل اختلافات همین است.»

ریچارد استوکس

## ادامه دارد . . .

در بخش بعد به موضوع

قطع روابط سیاسی دولت ایران و

دولت انگلیس و توطئه ها بر علیه نهضت ملی اشاره خواهد شد